






The Inefficiency of Mainstream Criminological Theories in Analyzing Rural Crime in Iran

Zahra Rastaei¹ , Amir Paknahad (Corresponding Author)² , and Mehrdad Rayejian Asli³ 

1. Department of Criminal Law and Criminology, Shi.C., Islamic Azad university, Shiraz, Iran. Email: zahra.rastaei@iau.ac.ir
2. Department of Criminal Law and Criminology, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran. Email: ampaknahad@iau.ac.ir
3. Department of Law and Jurisprudence, Institute for Research and Development in the Humanities(SAMT), Tehran, Iran. Email: m.rayejian@samt.ac.ir

Abstract

Criminological literature has historically been urban-centric, although crime and misdemeanor are not exclusive to urban areas. In mainstream criminology, which is the primary approach to defining misdemeanor, urban crime serves as the theoretical framework. However, a critical examination of these theories reveals their inefficiency in addressing crimes in rural areas. Many theories in the field focus on large populations, cultural diversity, social class hierarchy, and social disorganization, which are predominantly found in urban areas. In contrast, rural areas are characterized by smaller populations, homogeneous cultures, ethnic-based social classes, and a strong sense of community. These differences have influenced crime patterns and led to area-specific offences. In rural communities, crimes related to the environment and rural economy, such as poaching, unlicensed wells, and changes in land use, are more common. This research employs a descriptive bibliometric approach to analyze the existing gap in mainstream criminological theories, revealing significant differences between rural and urban crimes and highlighting that rural crimes cannot be analyzed simply as an extension of urban crimes. Identifying the shortcomings of such theories enables a better understanding of rural crimes, leading to appropriate preventive measures.

Keywords: Rural Criminology; Mainstream Criminology, Rural Subsistence; Cultural and Social Structures in Rural Area, Rural Crimes

Cite this article: Rastaei, Z.; Paknahad, A.; Rayejian Asli, M. (2026). The Inefficiency of Mainstream Criminological Theories in Analyzing Rural Crime in Iran. Criminal Law Doctrines,



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences



ناکارآمدی نظریه‌های جرم‌شناسی جریان اصلی در تحلیل بزهکاری روستایی ایران

زهرا راستایی^۱ | امیر پاک‌نهاد (نویسنده مسئول)^۲ | مهرداد رایجیان اصلی^۳

^۱ گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. zahra.rastaei@iau.ac.ir

^۲ گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. ampaknihad@iau.ac.ir

^۳ گروه حقوق و فقه، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی: سمت، تهران، ایران. m.ravejjan@samt.ac.ir

چکیده

در ادبیات جرم‌شناسی، همواره بزهکاری شهری به عنوان کانون توجه جرم‌شناسان بوده است. این در حالی است که ارتکاب جرم، یک پدیده‌ی اجتماعی صرفاً شهری نیست. جرم‌شناسی جریان اصلی نیز همواره بزهکاری شهری را مبنای نظریه پردازی قرار داده است. بسیاری از این نظریات بر عواملی مانند تراکم جمعیت، تنوع فرهنگی، ساختار طبقاتی و بی‌سازمانی اجتماعی تأکید دارند که با بافتار شهری سازگارند. در حالی که جمعیت اندک، انسجام فرهنگی، ساختار اجتماعی قوی، پیوندهای عمیق اجتماعی، از ویژگی‌های ملموس محیط روستایی است. این تفاوت‌ها حتی بر الگوهای بزهکاری نیز تأثیر گذاشته و شرایط را برای ارتکاب جرائم خاصی هموار می‌سازد. در مناطق روستایی ارتکاب جرائمی با ماهیت زیست محیطی و اقتصادی از قبیل شکار غیرمجاز، حفر غیرمجاز چاه آب، تغییر کاربری اراضی و مواردی از این قبیل بیش از سایر جرائم محتمل بنظر می‌رسد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای به بررسی خالاهای موجود در نظریات جرم‌شناسی جریان اصلی می‌پردازد و نشان می‌دهد که بزهکاری روستایی را نمی‌توان صرفاً "در امتداد بزهکاری شهری بررسی نمود. شناسایی ناکارآمدی این نظریات، زمینه را برای درک بهتر بزهکاری روستایی و طراحی راهبردهای پیشگیرانه فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی روستایی؛ جرم‌شناسی جریان اصلی؛ عملکرد معیشتی روستایی؛ عملکرد فرهنگی و اجتماعی روستایی؛ بزهکاری روستایی

استناد: راستایی، زهرا؛ پاک‌نهاد، امیر؛ رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۴۰۴). ناکارآمدی نظریه‌های جرم‌شناسی جریان اصلی در تحلیل بزهکاری روستایی ایران. آموزه‌های حقوقی کیفری.



اگرچه مفهوم روستا بدیهی به نظر می‌رسد، اما ارائه‌ی یک تعریف دقیق از آن ساده نیست و اختلاف قابل توجهی میان ملت‌ها در تعیین یک منطقه به عنوان روستا وجود دارد. (Hale&Harkness,2023,P.19) برای مثال در ایالات متحده، اداره سرشماری، روستا را به عنوان هر جمعیت، مسکن یا منطقه‌ای که در یک منطقه شهری نیست تعریف می‌کند. در حقیقت، روستا را می‌توان اولین شکل از حیات جمعی انسان در یک عرصه‌ی طبیعی دانست که از ویژگی‌های متعددی برخوردار است. (گلی، عسگری، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸) در این میان، تصور روستا به عنوان مکانی با چشم انداز ویژه، به دور از هیاهوهای زندگی شهری همراه با مردمانی خونگرم و صمیمی، تصویری است که به کرات توسط رسانه‌ها و در تصور عامه‌ی مردم نمایان می‌گردد. تصور جرم‌شناسان نیز گویی بر این بوده است که روستا همواره از گزند جرم در امان مانده و روستایی به عنوان یک فرد ساده هرگز مرتکب جرم نخواهد شد. تحقیقات نیز نشان می‌دهند که جرم‌شناسی آمریکایی، به طور عمده با نادیده گرفتن ۹۷٪ از مناطق سرزمینی و ۱۹٪ جمعیت این کشور، عمدتاً بر محیط‌های شهری تمرکز داشته است. (رایجیان اصلی، ۱۴۰۲، ص ۴۴۵) با این حال در ادبیات جرم‌شناسی نیز روستا دارای یک تعریف واحد و قطعی نیست که همین موضوع نیز از چالش‌های اساسی مطالعه جرم در این بافتار توصیف می‌شود. اما محققین در جرم‌شناسی روستایی فراتر از ویژگی تراکم پایین جمعیت رفته و معیارهایی مانند دورافتادگی، تقسیم کار، منابع محدود، پیوندهای عمیق اجتماعی را به عنوان مهم‌ترین معیارهای تمیز روستا از شهر معرفی می‌نمایند. (Peterson,2024, P. 2&3)^۱

بعد از تولد جرم‌شناسی با اندیشه‌های بکاریا یا سزار لومبروزو، برخی از جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان آمریکایی و انگلیسی منتقد، نظریه‌های جرم‌شناسی لیبرال، جرم‌شناسی رایج یا عمده یا به عبارتی جرم‌شناسی جریان اصلی را زیر سؤال برده و اندیشه‌هایی را مطرح ساختند که با عنوان جرم‌شناسی انتقادی شهرت یافت. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷، ص ۲۱) در تداوم همین رویکرد، شاخه‌های متنوع جرم‌شناسی انتقادی از جمله جرم‌شناسی فرهنگی، محکومان، سبز، فمینیستی و غیره از دهه ۱۹۹۰ میلادی پدید آمدند. (نجفی ابرندآبادی، هاشم بیکی، ۱۴۰۳، ص ۱۴-۱۹)

جرم‌شناسی روستایی نیز از دیگر شاخه‌های جدید جرم‌شناسی انتقادی محسوب می‌شود که به مطالعه‌ی جرم در مناطق روستایی، عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم روستایی، توزیع ناعادلانه منابع و بزه‌دیدگی ساختاری در این مناطق می‌پردازد. در حقیقت جرم‌شناسی روستایی با انتقاد از این که از زمان آغاز مطالعات جرم‌شناسی، جرم به عنوان یک چالش در روستاها تصور نمی‌شود شکل گرفت. نرخ پایین میزان جرم در مناطق روستایی، به طور کلی این تصور را برای عموم تقویت کرده است که جرم تهدید چندان جدی محسوب نمی‌شود. این درحالی است که نرخ جرم به تنهایی معیار کافی برای رسیدگی به پیچیدگی‌های مرتبط با بزهکاری روستایی عمل نمی‌کند. (Ceccato&Abraham,2022,P.14) دونرمیر، جابر و بارکلی در بررسی جامع پژوهش جرائم روستایی بیان می‌کنند: «اگر جرائم روستایی تاکنون مورد توجه قرار نگرفته‌اند، به دلیل سلطه

^۱ در بسیاری از مطالعات جرم‌شناسی، مؤلفه‌ی تراکم جمعیت برای شناسایی مناطق روستایی از شهری کنار گذاشته و برخی از مناطق به عنوان مناطق بینابینی و در پیوستار روستا-شهر (Rural-Urban continuum) مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. بنابراین برخی مناطق از قبیل مناطق حاشیه‌ای، مناطق پیرامون شهر، شهرک‌ها و... را نمی‌توان به صورت مطلق روستا یا شهر دانست. (Ceccato, 2023,P38-39 - Ceccato & Abraham, 2020, P251 - Peterson, Op. Cit,3-). اما به طور کلی در صورتی که شهرک‌ها دارای شبکه‌های اجتماعی فشرده، دسترسی محدود به خدمات، ساختار اقتصادی شبه روستایی و وابستگی به منابع طبیعی باشند می‌توان آن‌ها را دارای ویژگی‌های مشابه روستا دانست. بنابراین تحلیل جرم در این مناطق را می‌بایست مبتنی بر شرایط واقعی زیست اجتماعی دانست و نه صرفاً برچسب‌های اداری.

تفکر «گونه ایده آل» است که در تقابل با شرایط جرم زا قرار می گیرد. بر اساس این تفکر، موقعیت های جرم زا تنها در محیط های شهری وجود دارند. از این رو، جرائم روستایی کم تر مورد تبیین قرار گرفته اند.» (رایجیان اصلی و دانش ناری، ۱۴۰۲، ص ۵۲)

بنابراین با این دیدگاه که جرم در مناطق روستایی نیز چالشی مهم شناخته می شود؛ پژوهش حاضر در مقام پاسخ به این سؤال است که آیا می توان از نظریه های جریان اصلی را در مقام تبیین انواع بزهکاری های روستایی بهره جست؟ به نظر می رسد که این نظریات به دلیل داشتن ماهیت شهری، و نادیده گرفتن ساختارهای روستایی، قادر به تبیین جرائم ارتكابی مناطق روستایی نمی باشند.

در مطالعات انجام گرفته در حوزه جرم شناسی ایران، مطالب زیادی در زمینه بزهکاری روستایی مشاهده نمی شود. برخی از مطالعات موجود نیز که عموماً در حوزه جغرافیا نگارش یافته، صرفاً به برخی از جنبه های بزهکاری روستایی پرداخته و تبیین جرم شناختی کاملی از آن ها صورت نگرفته است. به عنوان مثال، در پژوهشی با عنوان «رابطه ی جغرافیا و جرم» نویسندگان صرفاً به مسائل ایمنی و امنیت شهری توجه داشته اند. به این صورت که با گسترش فیزیکی و اجتماعی شهرها و وجود ناهمگونی جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی میزان ناهنجاری و ارتكاب جرم نیز افزایش داشته است. در انتها و به عنوان نتیجه گیری نویسندگان به درستی برخی مؤلفه های مؤثر در ارتكاب جرم از قبیل زمان و مکان مناسب برای ارتكاب جرم اشاره داشته اند. (از قبیل اول صبح، یا در خیابان های خلوت و...) (ناروقه، اله وردی میگونی، کاظمی جویباری، ۱۳۹۹، ص ۱۲۸) بنابراین در این پژوهش نگارندگان به پدیده مجرمانه به عنوان یک موضوع کاملاً شهری نگریسته اند؛ گویی که در مناطق روستایی و محیط های کوچک با جمعیت کم، امکان ارتكاب جرم وجود ندارد.

در مطالعه ای دیگر، تحت عنوان «جغرافیای جرم در نواحی روستایی با تأکید بر سرقت دام در بخش چهاردولی شهرستان قروه» نویسندگان به بررسی ارتكاب سرقت در روستاهای همان منطقه پرداخته اند. (رضوانی، زارع، فرهادی، نیک سیرت، ۱۳۹۰، ص ۳۹) این درحالی است که به جرائمی از قبیل حوزه محیط زیست و با خشونت های بین فردی و قبیله ای ای مناطق، توجهی صورت نگرفته است. بنابراین عدم توجه به ساختار فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی روستایی و جرائم این حوزه از نواقص پژوهشی شناخته می شود. در نگارشی دیگر، تحت عنوان «تأثیر دیوار حیاط بر امنیت خانه های روستایی (نمونه موردی: روستای ایمرمحمد، استان گلستان)» نویسندگان به بررسی چگونگی معماری دیوارهای منازل مسکونی در راستای تأمین امنیت روستاییان پرداخته اند. بنابراین نویسندگان در این پژوهش، صرفاً به تحلیل نقش مؤثر معماری در ارتكاب جرم پرداخته اند. در پایان مقاله و به عنوان نتیجه گیری به این موضوع اشاره شده که با افزایش ویژگی های بصری از قبیل قرار دادن دیوارهای شفاف، امنیت بیش تری به اهالی القا خواهد داشت. (امامی، ایمری، مرادی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۶) درحالی که بنظر می رسد، در مناطق روستایی به دلیل وجود نظارت های غیررسمی، سرقت از مزارع کشاورزی بیش از سرقت از منازل ارتكاب یابد. در ادبیات جامعه شناسی بین المللی نیز سیناتی^۱ (۲۰۰۸) با بازخوانی کتاب «روستایی لهستانی»^۲، و با تمرکز بر جامعه روستایی لهستان، به بررسی پیوند میان ساختارهای سنتی خانواده، اقتصاد معیشتی روستایی و تغییرات اجتماعی ناشی از آسیب های اجتماعی مانند «مهاجرت» پرداخته است. این مطالعه به طورکلی نشان می دهد که درک تحولات اجتماعی و کنش های

1. Sinatti

2. The Polish Peasant

فردی در بافتار روستایی مستلزم مطالعه ویژگی های فرهنگی-اجتماعی منحصر به این بافتار می باشد. (Sinatti,2008) با این حال، در ادبیات جرم شناسی ایران، تحلیل بزهکاری روستایی با توجه به اقتضانات خاص این مناطق، کم تر مورد توجه قرار گرفته است.

براین اساس، عدم شناسایی عناصر محوری که الگوهای مرتبط با بزهکاری روستایی را روشن می سازند، یک شکاف شناخته شده در ادبیات جرم شناسی ایران را ایجاد نموده است. در پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی نظری-انتقادی صورت گرفته، داده ها به صورت ثانویه و از طریق مطالعات کتابخانه ای گردآوری شده اند. بدین منظور از آثار نظری و نیز پژوهش های تجربی منتشر شده داخلی و خارجی در حوزه بزهکاری روستایی بهره برداری شده است. لازم به ذکر است که این گزارش های آماری حاصل گردآوری مستقیم داده های میدانی نگارندگان نبوده و صرفاً برای تقویت تحلیل نظری مورد استفاده قرار گرفته است. بدین ترتیب هدف اساسی از نگارش این پژوهش، بررسی ناکارآمدی های نظریه های جرم شناسی جریان اصلی در تبیین بزهکاری روستایی در بستر مناطق روستایی ایران است.

بنابراین در این مطالعه در گام نخست، به بررسی مؤلفه ها و وجوه مشترک در میان نظریه های جریان اصلی خواهیم پرداخت. این موارد در حقیقت ویژگی های هستند که در میان اغلب نظریه های جریان اصلی قابل مشاهده است. در همان بخش به نقد آن ها در محیط روستایی نیز خواهیم پرداخت. تحلیل این نظریه ها در ابتدای مطالعه، مقدمه ای برای نشان دادن محدودیت ها و ناکارآمدی های آن ها در تبیین واقعیت های بزهکاری روستایی شناخته می شود. در بخش دوم، ساختار منحصر به فرد بافتار روستایی و محدودیت های نظریه های جریان اصلی در بافتار روستایی را مورد بررسی و نقد قرار داده و سپس در بخش سوم، الگوهای بزهکاری روستایی را مورد بازبینی قرار می دهیم. البته لازم به تأکید است که این پژوهش با تمرکز بر نقد نظریه های جریان اصلی، بزهکاری روستایی را به مثابه بستر تحلیلی و میدان سنجش کارآمدی این نظریه ها مورد بررسی قرار می دهد. بدیهیست شناسایی محدودیت های موجود، راه را برای انجام پژوهش های نوین جرم شناسی تسهیل می نماید. پیش از ورود به تحلیل نظری، لازم به توضیح است هرچند در بسیاری از جرائم روستایی، مرتکبان غالباً از ساکنان محلی اند و در پاره ای از موارد شهرنشینان یا مهاجران نیز می توانند نقش داشته باشند، تمرکز این پژوهش بر هویت مکانی مرتکبان نبوده بلکه بر تحلیل ساختارها و شرایط زمینه ای روستاها به عنوان بسترهای تسهیل کننده بزهکاری است.

۱. وجوه مشترک نظریه های جریان اصلی جرم شناسی

با وجود تفاوت های میان برخی از ویژگی های اساسی نظریه های جرم شناسی جریان اصلی، اما برخی ویژگی ها و مفروضات مشترک (که البته عموماً بر تجربه جوامع شهری و صنعتی استوار می باشند) را در میان همه نظریات می توان مشاهده نمود. شناخت این مفروضات، زمینه لازم را برای درک و بررسی ناکارآمدی آن ها در تحلیل بزهکاری روستایی ایران را فراهم می سازد. برخی از مهم ترین مؤلفه های اساسی در شکل گیری نظریات جریان اصلی را می توان در تراکم جمعیت، ناهمگونی فرهنگی، ضعف کنترل اجتماعی و ساختارهای طبقاتی مشاهده نمود.

۱-۱. تراکم جمعیت و بی سازمانی اجتماعی

یکی از اولین مؤلفه های اساسی در میان اندیشه های جریان اصلی، نقش تراکم جمعیت در تضعیف پیوندهای اجتماعی است که منجر به افزایش بزهکاری می شود. این موضوع، به عنوان یکی از ویژگی های اساسی کلان شهرها، منشأ شکل گیری برخی از نظریات جریان اصلی بوده است. در این میان، مکتب شیکاگو به عنوان یک دیدگاه مهم در حوزه جامعه شناسی جنایی و جرم شناسی، ازدحام جمعیت را به عنوان عامل مهم بزهکاری معرفی می نماید. از منظر پارک و برگس به تدریج افزایش جمعیت در منطقه انتقال عاملی برای افزایش نرخ ارتکاب جرم شناخته می شود. (پاک نهاد، ۱۴۰۰، صص ۷۸-۸۵) دورکهایم نیز در نظریه بهنجاری بزهکاری، به عامل تراکم جمعیت به عنوان یکی از عوامل گذار جوامع از همبستگی مکانیکی به ارگانیک توجیه داشته است. از منظر او، تقسیم کار پیچیده، جمعیت متراکم و روابط غیرشخصی، هنجارهای مشترک را تضعیف کرده و منجر به بی هنجاری می شوند. (پاک نهاد، ۱۴۰۱، صص ۱۳۴-۱۳۶)

با این تفسیر می توان توجه نظریه پردازان جریان اصلی را به عامل بنیادین در ارتکاب جرم و نقش آن در بروز بی سازمانی اجتماعی مشاهده نمود. بنابراین بر پایه ی این نظریات، می توان انتظار داشت که مناطقی با تراکم جمعیت پایین (مانند روستاها)، عاری از هرگونه پدیده ی مجرمانه باشند. با این حال مطالعات موجود در مناطق روستایی نشان می دهد که میزان جرم در روستاها، بر اساس نوع منطقه های روستایی و گونه های خاص جرم، حتی از میزان جرم در شهرها بیش تر است. (رایجیان اصلی و دانش ناری، پیشین، صص ۱۱۰) درحقیقت برخلاف آنچه این نظریات بیان می دارند، نرخ رشد جمعیت در بخش های روستایی ایران نسبتاً ثابت بوده و در این مناطق، جمعیت کم، وجود روابط خویشاوندی، سنت ها و ارزش های بومی همواره نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی ایفا می کند.

۲-۱. تنوع فرهنگی و ناهمگنی اجتماعی

یکی دیگر از عناصر محوری در اندیشه های جرم شناسی جریان اصلی، تأکید بر تنوع فرهنگی است. در میان این چارچوب های نظری، مکتب شیکاگو بیش ترین تأکید را بر تنوع فرهنگی و ناهمگنی اجتماعی دارد. شاو و مککی متغیرهایی مانند فقر و شرایط نامطلوب اقتصادی، افزایش جمعیت و جابه جایی مکرر ساکنان، را به عنوان عوامل مؤثر در وقوع جرم در شهر شیکاگو شناسایی کردند. (عصاره، شامبیاتی، ۱۳۹۲، صص ۱۷-۱۹) این مؤلفه ها نیز به تدریج انسجام اجتماعی را کاهش داده و منجر به افزایش بزهکاری می شود. درحالی که در مناطق روستایی، وجود ارتباطات قومی و خویشاوندی، انسجام اجتماعی را تقویت نموده و مانع از بروز آشفتگی های اجتماعی است.

درکنار مکتب شیکاگو، تورستن سلین^۱ نیز در چارچوب نظریه تعارض فرهنگی، ارتکاب جرم را نتیجه ای از تنوع فرهنگی معرفی می نماید. به اعتقاد سلین تلاقی دو یا چند فرهنگ، و مجاورت با ارزش و هنجارهای متفاوت عامل اساسی ارتکاب جرم است. (پاک نهاد، ۱۴۰۱، صص ۱۷۵) با این حال، از آن جا که بخش عمده ی آن ها در بستر جوامع مهاجرپذیر (به ویژه ایالات متحده) شکل گرفته است، تنوع فرهنگی را نمی توان از عوامل ارتکاب جرم در روستاها در نظر گرفت. در نتیجه کاربرد این نظریه در روستاهای ایران نیز که معمولاً از جمعیت غیربومی استقبال نمی کنند، چالش برانگیز است.

۳-۱. ضعف کنترل اجتماعی غیررسمی

^۱. Thorsten Sellin

یکی دیگر از جنبه های محوری در چارچوب های نظریات جریان اصلی، تأکید بر عامل نظارت اجتماعی ضعیف در بسترهای شهری است. شاو و مککی در نظریه بی سازمانی اجتماعی در کنار متغیرهای گفته شده، نبود کنترل و نظارت اجتماعی قوی را بستر مناسبی برای افزایش ارتکاب جرم بیان می نمایند. (همان، ۱۴۶)

افزون بر این، نظریه پنجره شکسته نیز همواره بر نقش ضعف کنترل اجتماعی غیر رسمی، در بروز رفتارهای مجرمانه تأکید داشته است. کلینگ^۱ و ویلسون^۲ در این تئوری، بر تأثیر اهمیت بی نظمی در وقوع بزهکاری تأکید می نمایند. در فرضیه اصلی این نظریه یک پنجره شکسته و یا دیگر علائم بی نزاکتی اجتماعی، ممکن است باعث تشدید بی نظمی شود. در حقیقت استمرار بی نظمی و بی تفاوتی در میان ساکنان نسبت به رفتارهای ضد اجتماعی زمینه ساز افزایش بزهکاری معرفی شده است. (پاک نهاد، ۱۴۰۰، ص ۳۰۴)

آنچه که واضح است، به کارگیری این نظریه ها، در تحلیل بزهکاری روستایی با محدودیت های قابل توجهی مواجه است. از یک سو، نظارت و کنترل اجتماعی در مناطق روستایی در نتیجه پیوندهای اجتماعی بسیار قوی تر از محیط شهری است. از سوی دیگر، وقوع برخی از جرائم در محیط روستایی را نمی توان با استفاده از این نظریه ها تفسیر نمود. ریشه های جرائمی مانند اختلافات قبیله ای و محلی، جرائم علیه محیط زیست، اختلاف بر سر زمین های کشاورزی و مانند این ها را باید در احساسات و حتی آداب و رسوم رایج آن جوامع جستجو نمود.

۴-۱. تمرکز بر ساختار طبقاتی و فقر شهری

تأکید بر ساختار طبقاتی نیز به عنوان یکی از عوامل وقوع جرم در میان برخی نظریات جرم شناسی جریان اصلی شناخته می شود. در این رویکردها، جرم در نتیجه ی موقعیت های نابرابر اقتصادی ارتکاب می یابد. به گفته ی رابرت مرتن^۳، در جامعه آمریکا هدف، کسب موفقیت مادی است. با این حال همه افراد در عالم واقع نمی توانند به چنین اهدافی دست پیدا کنند. چرا که همه افراد امکانات لازم برای موفق شدن را در اختیار ندارند و این شکاف میان اهداف مطلوب اجتماعی و ابزارهای محدود منجر به ایجاد فشار و آنومی برای برخی گروه های اجتماعی است. (Newburn, 2017, P188)

بدیهی است که محرومیت اقتصادی و فقر از عوامل ارتکاب جرم در روستاهای ایران نیز شناخته می شوند؛ با این حال الگوهای بزهکاری روستایی مشاهده شده در بافتار روستایی عموماً با الگوهای موجود در محیط شهری متفاوت است. توضیح آن که درحالی که مقصود مرتن از نظریه فشار، کسب منفعت مادی در جهت ثروتمندتر شدن بوده است؛ در بافتار روستایی جرائم مالی در جهت کسب حداقل های معیشتی ارتکاب می یابند.

۵-۱. انطباق ناپذیری مؤلفه های موجود با مناطق روستایی ایران

دقت در مؤلفه های فوق نشان می دهد که نظریه های جریان اصلی، (شیکاگو، فشار، بی سازمانی، پنجره شکسته، تعارض فرهنگی و غیره) عمدتاً در مناطق شهری و در پاسخ به همان مشکلات مناطق شهری طراحی شده اند. از این رو پیش فرض های مشترک این نظریه ها بر بستر ساختارها و واقعیت های شهری طراحی شده و کارآمدی آن ها نیز در همان چارچوب

1. George L.Kelling

2. James Q. Wilson

3. Robert Merton

سودمند خواهند بود. با این حال انطباق این مفروضات در کنار شرایط ساختاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستایی تفاوت های عمیقی را نمایان می سازد. توضیح آن که مؤلفه های فوق (تراکم جمعیت، اختلاف طبقاتی، تنوع فرهنگی و...) که زیربنای نظریه های جریان اصلی را تشکیل می دهند، در روستاهای ایران موجودیت نداشته و یا به صورت کاملاً "سطحی مشاهده می شود. در مقابل مؤلفه هایی مانند وجود جمعیت کم، پیوندهای عمیق اجتماعی، ساختار اقتصادی معیشتی وابسته به زمین، سازوکارهای نظارت غیررسمی تشکیل دهنده ی ساختار روستایی است که شرایط را برای ارتکاب جرائم بعضاً" متفاوتی از مناطق شهری فراهم می سازد. در ادامه ابتدا به تبیین ساختار روستایی ایران و سپس اقسام و گونه های بزهکاری این مناطق خواهیم پرداخت.

۲. ساختار روستایی ایران و محدودیت های نظریه های جریان اصلی در بافتار روستایی

به طور کلی، ویژگی های ساختاری خاص مناطق روستایی ایران، از منظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی کاربست نظریه های جرم شناسی جریان اصلی را با مانع مواجه می سازند. اما بایستی به این نکته توجه داشت که تحلیل بزهکاری در مناطق روستایی بدون توجه به ساختارهای میادین این جوامع امکان پذیر نیست. بنابراین در این بخش، به بررسی ویژگی های ساختاری مناطق روستایی و ناکارآمدی های این نظریه ها در بافتارهای روستایی خواهیم پرداخت. این ویژگی ها نشان می دهند که نظریه های جریان اصلی نه تنها برای بافتار روستا طراحی نشده، بلکه حتی در صورت به کارگیری نیز با محدودیت ها و ناکارآمدی های جدی مواجه خواهند بود.

۱-۲. ساختار اقتصادی و معیشتی

اهالی شهر و روستا از نظرگاه های متفاوتی از جمله مسائل اقتصادی بلیک دیگر دارای تفاوت های فاحش می باشند. توضیح آن که در حالی که زندگی شهری متکی بر تنوع تخصص ها بوده (که همین ویژگی و تقسیم کار در میان مردم موجب پیدایش از مشاغل گوناگون است)؛ اجتماعات روستایی از حیث تقسیم کار، در سطح پایین تری نسبت به مناطق شهری قرار دارند. (کی نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۲۰) در حقیقت تنوع پایین مشاغل اقتصادی روستایی و وابستگی اقتصادی بسیاری از آن ها به کشاورزی و دامداری و بهره برداری از منابع طبیعی (Jobs&Barclay&Donnermeyer, 2001, P. 5)، زندگی روزمره ساکنین را به محیط طبیعی وابسته ساخته، بنابراین اهالی روستا همواره ارتباط مستقیمی با آن دارند. (Eman& Bulovec, 2021, P. 43) بدیهی است که ایجاد هرگونه اختلال در منابع طبیعی مانند کمبود آب، زمین و فشار اقتصادی ناشی از آن، می تواند منجر به کاهش درآمد آن ها شده و گاه زمینه ارتکاب جرم را فراهم آورد.

درحالی که احتمالاً "برخی، وجود فشار ناشی از مشکلات اقتصادی در مناطق روستایی را با نظریات جریان اصلی مانند فشار مرثن منطبق نمایند؛ اما با اندکی دقت متوجه تفاوت های ارزشی و اهدافی در روستاها خواهیم شد. از آن جا که در مناطق روستایی ارزش های معیشتی و حیثیتی دارای ارجحیت است، بسیاری از جرائم نیز ناشی از فشارهای معیشتی و ضعف در ساختار محیطی ارتکاب می یابد، بنابراین جاه طلبی و ثروت اندوزی در روستا به عنوان آخرین ارزش تلقی می شود.

یکی دیگر از نظریات مرتبط با کارکرد اقتصادی جوامع، نظریه فرصت های افتراقی ریچارد کلورد و لوید اهلین^۱ است. که به موجب این نظریه برخی افراد که قادر به دسترسی به فرصت های قانونی نبوده، به دنبال فرصت های غیرقانونی رفته تا نیازها و خواسته های خود را برآورده نمایند. (پاک نهاد، ۱۴۰۰، ص ۱۶۶) بنابراین این نظریه، بزهکاری را نتیجه دسترسی به فرصت های نامشروع می داند. در حالی که بزهکاری روستایی ناشی از فراوانی فرصت های نامشروع نیست؛ بلکه نتیجه ی کمبود منابع حیاتی و فشار معیشتی است. بنابراین هدف از ارتکاب جرم در این مناطق، کسب سود بیش تر نبوده، بلکه باید آن را در حفظ وتأمین حداقل های معیشتی جستجو نمود. لذا فرض اساسی نظریه فرصت، مبنی بر انتخاب میان مسیر مشروع و نامشروع با بافتار روستایی چندان منطبق نیست.

۲-۲. ساختار هنجاری- فرهنگی

در حالی که پراکندگی و کثرت و اختلاف منابع، رقابت و سبقت و سرعت و خودخواهی از مظاهر زندگی شهری و جوامع ثانوی صنعتی است؛ یکپارچگی و وحدت و هدف مشترک و صفا و یکرنگی و همکاری از مظاهر زندگی روستاییان و جوامع اولیه است. (کی نیا، پیشین، ص ۱۲۰) روستاییان در سراسر جهان اصولاً وابسته به سنت ها، آیین ها و باورهای بومی بوده و این عوامل نقش بسیار مهمی در انسجام ساختار فرهنگی آن ها ایفا می نماید. توضیح آن که اهالی روستا معمولاً به باورها و هنجارهای بومی- سنتی بسیار پایبند هستند. این وابستگی گاه حتی منجر به مقاومت در برابر ایجاد تغییر در هنجارهای مرسوم می گردد. (Peterson, Op. Cit, P. 4) احترام به هنجارهای نهادینه شده همراه با تعصب نسبت به آن ها، حتی قوانین را در نظر آن ها کم ارزش تلقی کرده، تا اندازه ای که گاه از اجرای قانون نیز ممانعت می نمایند. مواردی مانند حفر غیر مجاز چاه آب، شکار غیر غیرقانونی و سایر تخلفات زیست محیطی را تحت پوشش همین باورها و توجهات فرهنگی می توان تبیین نمود. (Ceccato, 2025, P. 385)

برخی دیگر از عوامل موجد ساختار فرهنگی نقش قابل توجهی بر وقوع پدیده مجرمانه در جوامع روستایی خواهند داشت. به عنوان مثال، در حالی که مطالعات متعدد، پیوندهای اجتماعی ضعیف را به عنوان عامل تمایل افراد به ارتکاب جرم، شناسایی می کنند؛ اتفاقاً برخی از پژوهش ها وجود پیوندهای اجتماعی قوی را عامل افزایش جرم معرفی کرده اند. برای مثال مواردی مانند خشونت علیه اشخاص آسیب پذیر (زنان) یا تخلفات زیست محیطی را می توان در عملکرد فرهنگ روستایی جستجو نمود. (Ceccato, 2025, P. 384)

آن چه که نظریات مرتبط با ساختارهای هنجاری فرهنگی مانند نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، را با مناطق روستایی چالش ساز می نماید، ارتباط قوی میان اعضای جامعه است. بدین توضیح که به موجب این نظریه، احتمال بزهکاری درباره افرادی که دارای پیوندها یا همبستگی های شدید با گروه های اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و همسالان هستند، کم تر است. در حقیقت از منظر هیرشی ۴ عامل دلبستگی، پایبندی، درآمیختگی، باور، فرد را از قانون شکنی باز می دارد. (رایجیان اصلی، پیشین، ص ۳۵۹)

از این منظر، کنترل اجتماعی ناشی از پیوندهای اجتماعی عاملی مهم در بازدارنگی تلقی شده است. در صورتی که در روستا وجود همین پیوندهای قوی اجتماعی، گاه در مشروع تلقی نمودن ارتکاب جرم نقش مهمی ایفا می نماید. به عنوان مثال

^۱. Lloyd E. Ohlin

مواردی مانند نزاع قومی یا قتل های ناموسی از این دسته اند. از این رو، اتفاقاً همین موضوع، کنترل اجتماعی را از کارکرد بازدارنده خارج و به عامل تشدید کننده بزه تبدیل می نماید.

۳-۲. ساختار همبستگی اجتماعی

اهالی روستا اصولاً "یک دیگر را می شناسند و روابط آن ها محترمانه، صمیمانه و توأم با خلوص و صفا و یک رنگی است و نسبت به همزیستی با یک دیگر شوق و علاقه ابراز می کنند. بنابراین هیچکس در روستای خود غریب نیست و مردم روستایی متجانس تر و همانندتر از شهرنشینان هستند. محافظه کاری، سنت گرایی و عدول نکردن از رسوم و سنت ها، اعتقاد به قضا و قدر از ویژگی های جوامع روستایی است. (کی نیا، پیشین، ص ۱۲۰)

بنابراین یکی از شاخصه های اصلی ساختار اجتماعی روستایی، وجود ارتباطات اجتماعی عمیق میان اهالی است. اما تعامل اجتماعی در محیط های شهری نسبتاً محدود بوده و افراد عموماً تمایل کم تری به برقراری ارتباط با دیگران داشته و عدم آشنایی با همسایگان همراه با ارتباطات محدود نیز، باعث کاهش احساس همبستگی می شود. (Eman& Bulovec, Op.Cit, P.43) بالعکس، روستایی ها اساساً "یک دیگر را می شناسند، روابط نزدیک خود را حفظ می کنند و به هنجارهای اجتماعی مشترک پایبندند. آن ها هویت مشترک و اجدادی خود را به نسل های بعد از خود منتقل کرده اند که در مجموع آن ها را بسیار مهم می دانند. (Jobes, Barclay, Donnermeyer, Op.Cit, P.5) می توان ادعا کرد که این خویشاوندی عمیق و ارتباطات اجتماعی، اعتماد متقابل و نظارت اجتماعی را در حوزه های مختلف در میان اعضای جامعه تقویت می کند. اما گاه نیز همین انسجام اجتماعی می تواند منجر به تشدید یا کاهش بزهکاری شود. (Peterson, Op.Cit, P.1) به عنوان مثال، ارتباطات قوی میان خانواده های روستایی گاهی بزه دیده را از طرح شکایت منصرف نموده و به انتقام گیری شخصی تشویق می کند.

در حالی که یکی از محورهای اساسی در نظریه های جریان اصلی و ریشه های آن در اندیشه های دورکهایم آن است که وجود پیوندهای عمیق اجتماعی میان اعضای جامعه، از گرایش به بزهکاری جلوگیری می نماید. با این حال همین کارکرد، گاه در مناطق روستایی دارای عملکرد معکوس است. به عقیده دورکهایم، وجدان جمعی و ارزش های مشترک در جوامع سنتی موجب انسجام و نظم می شود. در حالی که در بسیاری از روستاهای ایران، همین وجدان جمعی و همبستگی مکانیکی، گاه منجر به محدودیت در آزادی فرد، فشار برای تبعیت از عرف سنتی و مشروعیت بخشی به خشونت و نزاع قومی می شود. بنابراین همان عامل همبستگی که در نظریه های جریان اصلی ضامن نظم اجتماعی فرض می شود، در شرایط خاص روستایی می تواند منجر به تولید جرم و تضییع عدالت گردد.

۴-۲. ساختار زیست محیطی و جغرافیایی:

انسان و محیط زیست از دیرباز با یک دیگر عجین شده به نحوی که اقدامات بشر بر محیط زیست، مباحث جدیدی را وارد حقوق نموده است. (انصاریان، ۱۳۹۸، ص ۹) روستا عرصه زندگی مرتبط با طبیعت است و در آن روستاییان بیش ترین ارتباط را با محیط طبیعی اطراف خود دارند. بنابراین تمامی فعالیت های آن ها بر محیط زیست پیرامونی تأثیرگذار است. (سجاسی قیداری و فعالی جلالی، ۱۳۹۶، ص ۴۶) درحالی که محیط های شهری دسترسی چندان راحتی به محیط طبیعی وجود

نداشته؛ نظریه پردازان جریان اصلی نیز از توجه به مباحث محیط زیستی غافل بوده اند. آن چه که بیش تر مورد توجه نظریه پردازان قرار گرفته است؛ فعالیت های روزمره و انتخاب های عقلانی محور بزهکاران بوده است.

نظریه انتخاب عقلانی که توسط رونالد کلارک و درک کرنیش^۱ مطرح شد، مبتنی بر این فرض است که انسان های عاقل زمانی تصمیم به انتخاب رفتار مجرمانه به جای رفتار غیر مجرمانه خواهند گرفت که منافع خاص جرم (منافع منهای هزینه ها) بیش تر از منافع خاص اعمال غیر مجرمانه باشد. (رحیمی نژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶) در نظریه های انتخاب عقلانی یا فرصت فرض بر این است که بزهکار فرصت های شهری را بازیابی می کند (مثلا سرقت از مغازه، خودرو یا بانک) در حالی که در مناطق روستایی، منابع طبیعی و زمین اصلی ترین موضوع منازعه و ارتکاب جرم هستند.

کوهن و فلسون نیز در نظریه فعالیت روزمره در تبیین جرائم شهری، بر سر عنصر وجود یک مجرم با انگیزه، توانایی ارتکاب جرم، یک هدف یا قربانی مناسب و نبود نگرهبانی که بتواند از وقوع آن ها جلوگیری کنند تأکید می نمایند. (Newburn, Op.Cit, P305)

علیرغم این که با تکیه بر این نظریات می توان به تبیین جرائم مالی از قبیل سرقت از مزارع روستایی پرداخت - چرا که این جرائم علی الاصول به دلیل شرایط اقتصادی و محاسبه هزینه-فایده ارتکاب می یابند-؛ با اینحال جرائم زیست محیطی (مانند تصرف منابع طبیعی، تغییر کاربری اراضی) و یا جرائم خشونت آمیز و اختلافات محلی و قومی را، با استفاده از این نظریه نمی توان تبیین نمود. در حقیقت ریشه این مسائل را می بایست در ساختار فرهنگی و تفکرات سنتی مردم (که اصولاً این مسائل را حق مشروع خود تلقی می نمایند) جستجو نمود.

با شناسایی ویژگی ها و شاخصه های ساختاری مناطق روستایی، بایستی به بررسی اقسام بزهکاری در مناطق روستایی پرداخت. آن چه در بخش پیشین درباره ساختار مناطق روستایی بررسی شد در حقیقت بستر و زمینه ای برای درک بهتر الگوهای بزهکاری در این جوامع است. لذا در ادامه به تفسیر برخی از انواع گونه های بزهکاری در مناطق روستایی ایران خواهیم پرداخت.

۳. گونه شناسی بزهکاری در روستاهای ایران

به طور کلی نباید این موضوع را انکار نمود که گونه های جرائم شهری و روستایی تا حدودی با یک دیگر متفاوت است. در شهرها دزدی با شکستن حرز، خیانت در امانت، کلاهبرداری، اخفا، جیب بری، سقط جنین، فحشا بیش از سایر جرائم مشاهده می شود. اما در روستا ارتکاب جرائمی مانند ضرب و جرح و سرقت دارای غلبه است. طرق ارتکاب جرم و وسایلی که به کار برده می شود نیز در شهر و روستا باهم متفاوت است: قتل در شهرها به وسیله سلاح گرم و چاقوی ضامن دار و پنجه بوکس و در روستاها با سلاح سرد از قبیل داس، تبر، بیل و کلنگ و چوب و گاهی با تفنگ شکاری صورت می گیرد. دزدی در شهرها از طریق جیب بری و حمله های مسلحانه به بانک ها و دستبرد به خانه ها و مغازه ها و در روستاها به شکل بردن محصول و گاو و گوسفند و امثال آن روی می دهد. (کی نیا، پیشین، ص ۱۰۴) در ادبیات بین المللی جرم شناسی روستایی، تلاش هایی برای طبقه بندی بزهکاری های واقع شده در مناطق روستایی بر اساس نوع فعالیت اقتصادی، پیوند با محیط طبیعی و ویژگی های ساختاری جوامع روستایی صورت گرفته است. (برای نمونه بنگرید به Abraham &

^۱. Clarke, Ronald & D.B Cornish

روستاهای ایران خواهیم پرداخت. (Ceccato,2025,P251, Ceccato,2020,P385) در این پژوهش نیز تقسیم بندی ارائه شده با الهام از همین رویکرد و منطبق با شرایط اجتماعی، اقتصادی و امنیتی روستاهای ایران، جرائم روستایی را به دو دسته کلی «جرائم ویژه روستایی» و «جرائم در مناطق روستایی (یا جرائم عمومی)» تقسیم بندی نموده ایم که در ادامه به توضیح و بررسی اقسام آن ها در بافتار روستاهای ایران خواهیم پرداخت.

۳-۱-۳. جرائم ویژه روستایی

این دسته شامل جرائم علیه محیط زیست، سرقت از مزارع و مواردی از این قبیل است. در حقیقت منشأ ارتکاب این قسم از جرائم روستایی را در ویژگی های محیطی، معیشتی و فرهنگی این مناطق بایستی جستجو نمود.

۳-۱-۱-۱. جرائم علیه محیط زیست

پیوند عمیق زندگی روستایی با محیط زیست و منابع طبیعی، بخشی از فعالیت های روزانه اهالی زمینه ساز بروز آسیب های جدی به منابع طبیعی خواهد بود. در این میان آسیب های وارده بر طبیعت توسط روستاییان را می توان در قالب «جرائم عامه پسند»^۱ قرار داد. این دسته از جرائم به اعمالی اشاره دارند که از منظر بومی و محلی، از جمله ی حقوق مشروع آن ها شناخته می شود؛ این در حالی است که همین رفتارها در چارچوب قوانین رسمی دارای وصف مجرمانه اند. بسیاری از این اقدامات که منتهی به تخریب محیط زیست می شوند را تحت تأثیر فشارهای معیشتی و در قالب توجهیات فرهنگی و عرفی می توان تبیین نمود. (Ceccato&Abraham,Op.Cit, P.261) این در حالیست که نظریات جریان اصلی اصولاً^۱ به این قسم از اقسام بزهکاری، به این دلیل که دسترسی مردم به منابع طبیعی محدود بوده یا بروز آسیب برای آن ها دغدغه محسوب نمی شده، توجه نداشته اند.

۳-۱-۱-۱-۱. تخریب جنگل ها و مراتع ملی

جنگل ها و مراتع بخشی از منابع طبیعی ملی محسوب می شوند که مطابق قانون اساسی و سایر قوانین متعلق به عموم شناخته شده و حکومت اسلامی به عنوان نماینده جامعه مسؤول حفاظت و بهره برداری از آنهاست. (اصل ۴۵ و ۵۰ ق.اساسی) به طورکلی، تخریب جنگل ها و مراتع پیامدهای محیطی و اجتماعی گسترده ای به دنبال دارد؛ این اقدامات نه تنها به نابودی پوشش گیاهی منجر می شود بلکه با برهم زدن تعادل اکوسیستم، فرسایش خاک، کاهش منابع آبی زیرزمینی و تهدید حیات وحش، آسیب های جدی و جبران ناپذیری بر محیط زیست وارد خواهد کرد. معیشت اقتصادی روستاییان و درآمد حاصل از فروش چوب، نیاز به سوخت، کمبود آگاهی زیست محیطی، کمبود نیروهای حفاظتی، و مواردی از این دست را می توان از عوامل دخیل در این پدیده شناسایی کرد.

۳-۱-۱-۲. تغییر کاربری اراضی

^۱. Folk Crimes

تغییر کاربری هرگونه اقدامی را شامل می شود که مانع از بهره برداری و استمرار کشاورزی، زراعی و باغ ها در قالب ایجاد بنا، برداشتن یا افزایش شن و ماسه و سایر اقداماتی که بنا به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی تغییر کاربری شود. (کشاورز، ۱۳۹۹، ص ۹۴) به بیان دیگر، تغییر کاربری اراضی به معنای استفاده از زمین های کشاورزی، مرتعی یا جنگلی در مصارفی غیر از کاربری اصلی آن ها است.

یافته های میدانی در برخی مناطق روستایی از جمله استان کرمان نشان می دهد که عواملی مانند مهاجرت روستاییان به شهرها، افزایش جمعیت، نیاز به مسکن و مشکلات اقتصادی منجر به تغییر کاربری زمین شده است. این موضوع به تدریج موجب تبدیل اراضی زراعی به کاربری های غیرکشاورزی می شود، که نتیجه آن کاهش محصولات کشاورزی و از بین رفتن تعادل محیط زیست خواهد بود. (علوی زاده، ایزدی؛ ۱۴۰۱، ص ۹۹) کمبود منابع طبیعی باعث می شود تا بسیاری از افراد اقدام به تغییر کاربری بخصوص به شکل مسکونی یا ساخت ویلا نمایند، تا با اجاره ی آن به گردشگران به تأمین معاش و کسب درآمد نمایند. (همان؛ ۱۰۲) بنابراین، کاهش درآمد روستاییان از کشاورزی و دامداری، افزایش قیمت زمین، کمبود زمین برای مسکن، مهاجرت معکوس از عواملی است که تقاضا را برای تغییر کاربری افزایش می دهد.

۳-۱-۱-۳. شکار غیر مجاز

هرنوع فعالیت علیه گونه های جانوری وحشی بدون مجوز که می تواند انقراض محلی گونه های متنوع را به دنبال داشته باشد، شکار غیرمجاز است. (اشرف زاده و مرادی، ۱۳۹۶، ص ۱) گزارش های رسمی نشان می دهد که در برخی از استان ها شکار غیرمجاز پرندگان، سهم بالایی از شکار را به خود اختصاص می دهد. بر اساس داده ها حدود ۷۰٪ از شکارچیان روستایی استان مازندران، فاقد مجوز رسمی بوده اند. (میرمحمدتبار، پیشین؛ ص ۳۹) این آمار - با توجه به بالا بودن رقم سیاه بزهکاری - نشانگر گستردگی موضوع در منطقه و آسیب به محیط زیست است. از جمله مهم ترین دلایل وقوع جرائم صید و شکار غیرمجاز در استان های شمالی مانند مازندران و گلستان، ضعف نظارت و محدودیت نیروهای حفاظت و در استان مازندران نیاز مفرط به گوشت عنوان شده است؛ البته سایر دلایل وقوع جرم نظیر عدم اطلاع از قوانین و مقررات در سطح بالاتری قرار دارد. (قاسمی، مرادکله، ۱۳۸۹، ص ۳۹۲) سایر عوامل ارتکاب این موضوع را می توان در مواردی مانند تفریح و سرگرمی، تهیه ی غذا، باورهای سنتی، تأمین نیازهای معیشتی، سودجویی جستجو نمود. در برخی از مناطق نیز این فعالیت ها به دلیل ضعف های نظارتی و کمبود نیروهای حفاظتی افزایش می یابد.

۳-۱-۱-۴. چرای غیر مجاز

ارتکاب چرای غیرمجاز علاوه بر تخریب پوشش گیاهی و تهدید حیات وحش، پیامدهایی همچون فرسایش خاک، کاهش منابع آب و نابودی محیط زیست را به دنبال خواهد داشت. همانطور که امیری لمر و مرادمند جلالی بیان داشته اند؛ مهم ترین مشکل در حوزه منابع طبیعی را می توان، بهره برداری بی رویه از جنگل ها و مراتع و عدم رعایت زمان مناسب چرا در مراتع توسط دامداران بیان نمود. (امیری لمر و مرادمند جلالی، ۱۳۹۳، ص ۳۱۷) در مطالعه ای میدانی مهم ترین عامل مؤثر در تخریب منابع طبیعی کشور را در مسائل مربوط به دام شامل افزایش تعداد دام، چرای بی رویه (چرای زودرس-چرای طولانی-چرای شدید یا خارج از ظرفیت) جستجو نمود. (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۲۱) چرای غیرمجاز در روستاها، به علل

مختلفی از جمله، خشکسالی های فراوان و عدم وجود علوفه برای تغلیف حیوانات، کمبود زمین ها و مراتع طبیعی به علت توسعه شهری و کشاورزی، ضعیف بودن مدیریت منابع طبیعی، افزایش تعداد دام ها، ناآگاهی کافی از قوانین مربوط به این حوزه، و مواردی از این قبیل ارتکاب می یابد.

۵-۱-۱-۳. آلودگی خاک

خاک به عنوان بستر اصلی حیات بر روی کره زمین و منبع اصلی تأمین غذا، یکی از مسائل مهم هر جامعه محسوب شده که در امنیت غذایی نقش مهمی ایفا می کند. (بهره مند، قنبریان، ۱۳۹۷، ص ۱۲۶) «آلودگی خاک ناشی از علل مختلفی است که از جمله آن ها وجود زباله های سخت، تجزیه ناپذیر و به کار بردن سموم می باشد که در کشاورزی موارد مصرفی زیادی داشته است.» (انصاریان، پیشین، ص ۵۱) همچنین فلزات سنگین و مواد سمی آلی شامل کودها و حشره کش ها از مسائل ویژه آلودگی خاک در اقصی نقاط جهان به شمار می رود. (کشاورز، پیشین، ص ۸۶)

در مناطق روستایی، دوگانگی جایگاه کشاورزان، آلودگی خاک را چالش برانگیز می سازد. آلودگی ناشی از فعالیت صنعتی و دفع غیرقانونی پسماندها توسط کارخانه ها، آن ها را به قربانیان اصلی تخریب محیط زیست تبدیل می کند. از سوی دیگر، کشاورزان با ارتکاب اعمالی مانند استفاده بیش از حد سموم کشاورزی، در ایجاد آلودگی خاک نقش مستقیم دارند. این ها موضوعاتی است که وجدان جمعی روستایی آن را حق مشروع خود تلقی می کنند.

۲-۱-۳. جرائم مالی معیشت محور

به طور کلی ارتکاب جرائم مالی در مناطق روستایی را باید شامل رفتارهایی دانست که هدف مرتکب از ارتکاب آن صرفاً کسب سود و انباشت ثروت نبوده، بلکه هدف تأمین حداقل های معیشتی و جبران کمبودهای ساختاری حاکم بر این مناطق است. در این راستا همانطور که مشاهده شد، در حالی که در تبیین جرائم مالی ارتکابی در بافتار شهری از نظریه هایی مانند نظریه فشار و یا فرصت می توان بهره برد؛ اما در مناطق روستایی، جرائم اقتصادی و معیشتی بیش از آن که حاصل اهداف فرهنگی و فرصت های شهری باشند، در نتیجه فشارهای ساختاری حاکم و معضلات معیشتی ارتکاب می یابند. بنابراین کارآیی نظریه های فشار و فرصت در تبیین این قسم از جرائم روستایی دارای محدودیت های جدی به نظر می رسند.

۱-۲-۳-۱. سرقت محصولات کشاورزی و دام

در حالی که در بافتار شهری، ارتکاب سرقت و جرائم با انگیزه مالی عموماً به صورت سازمان یافته با استفاده از فناوری های نوین و به صورت پیچیده ارتکاب می یابند، در بافتار روستایی سرقت ها عموماً به صورت سرقت های خرد از قبیل سرقت محصولات کشاورزی و دام، سرقت برق، آب و گاه سرقت از منازل است.

باتوجه به وابستگی معیشتی روستاییان به فعالیت های کشاورزی و دامداری، سرقت ها غالباً علیه این موضوعات ارتکاب می یابند. بخصوص در برخی از فصول سال مثلاً در فصل برداشت محصول- فرصت لازم برای ارتکاب سرقت محصولات فراهم می باشد. از سویی دیگر ابزارآلات کشاورزی مانند بیل، کلنگ، سم پاش، لوله های آبیاری درختان از جمله ابزارهایی هستند که اصولاً در زمین های کشاورزی نگهداری شده و می تواند مورد اهداف سارقین قرار گیرد. وسعت محل و

پراکندگی زمین های کشاورزی، عدم وجود نظارت های انسانی یا الکترونیک سیبل جذابی برای سارقین محسوب می شود. ارتکاب این جرائم پیامدهای اقتصادی و اجتماعی زیادی از جمله از بین رفتن انگیزه کشاورزان یا دامداران به دنبال خواهد داشت که در نهایت منجر به کاهش تولیدات کشاورزی خواهد شد.

در روستاها سرقت از منازل معمولاً کم تر از سرقت های مرتبط با کشاورزی و دامداری است. با این حال شرایط معماری و فرهنگ محلی برخی از روستاییان (مانند بازگذاشتن در خانه ها به دلیل تصور وجود امنیت) زمینه ساز ورود افراد غریبه به منازل خواهد بود. در چنین شرایطی امکان وقوع سرقت از منازل، تجاوز به حریم خصوصی و حتی وقوع تجاوز جنسی امری بعید نیست.

۲-۱-۳. استفاده غیر مجاز از آب و برق

از دیگر جلوه های مهم بزهکاری روستایی ایران، بهره برداری غیرقانونی از منابع حیاتی مانند آب و برق است. در مناطق روستایی که کشاورزی عموماً منبع اصلی درآمد محسوب می شود، دسترسی به آب، برای تأمین معاش و ادامه زندگی در روستا امری ضروری است. در سال های اخیر، وجود خشکسالی و کاهش بارندگی در بسیاری از مناطق کشور، منجر به بهره برداری از سفره های زیرزمینی شده است. کشاورزان با کاهش بارندگی برای حفاظت از معیشت کشاورزی و دامداری خود اقدام به حفر غیرمجاز چاه خواهند کرد. این موضوع به مرور زمان خشک شدن چاه و قنات های زیرزمینی، فرسایش خاک، و تخریب محیط زیست را به دنبال خواهد داشت.

سرقت و استفاده غیرمجاز از آب، ممکن است به اشکال مختلفی از جمله دستکاری در کنتور، حفر و بهره برداری غیرمجاز از آب، استفاده از آب بدون پرداخت حق انشعاب صورت گیرد. سرقت برق نیز از موضوعات مهم مناطق روستایی است که می تواند عملکرد خدمت رسانی برق به روستاییان را مشکل ساز نماید. سرقت برق در مناطق روستایی می تواند به صورت سرقت تجهیزات و کابل های برقی ارتکاب یابد. ریشه های چنین موضوعاتی را از منظر جرم شناسی می بایست در ترکیبی از عوامل ساختاری از قبیل فقر و نابرابری اقتصادی، هزینه های فزاینده خدمات انرژی، نبود نظارت کافی و نبود یا کمبود امکانات دسترسی قانونی به منابع جستجو نمود.

۲-۳. جرائم عمومی

ماهیت این دسته از جرائمی که در ادامه به بررسی آن ها خواهیم پرداخت، مشابه جرائم ارتكابی در بافتار شهری است. اما آنچه که ماهیت این جرائم را در بافتار روستایی متمایز می سازد، شیوه ارتکاب، انگیزه و پیامدهای حاصل آن ها است. مواردی مانند جرم قتل و جرائم مرتبط با مواد مخدر، از این دسته اند. (Ceccato, 2025, P.385)

همانگونه که در برخی از نظریه های جرم شناسی مشاهده شد، غالباً نبود انسجام اجتماعی را عامل مهم ارتکاب جرم قلمداد نموده اند؛ با این حال در جوامع روستایی پیوندهای عمیق اجتماعی میان اقوام، گاه نقش بازدارنده داشته و گاه حتی

^۱ طبق آمار وزارت نیرو، حدود یک میلیون حلقه چاه در کشور وجود دارد که نیمی از آن ها یعنی حدود ۵۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز وجود دارد. در این میان ۳۸۰ شهر و ۹۲۰۰ روستا در معرض فرونشست قرار دارند. خبرگزاری تسنیم، ۵۰۰۰۰ حلقه چاه غیرمجاز، ۲۱ آبان ۱۴۰۳، قابل بازیابی

خود به عنوان عاملی در مشروعیت بخشیدن به خشونت شناخته می شود. در این میان نظریه هایی مانند بی سازمانی اجتماعی یا کنترل اجتماعی هیرشی، در تبیین این تناقض ناتوانند. همچنین چارچوب های نظری تئوری فشار یا فرصت نیز به دلیل فرهنگی بودن ریشه ی بسیاری از آن ها، عموماً فاقد کارایی به نظر می رسد.

۱-۲-۳. قتل های ناشی از تعارضات محلی

اگرچه بسیاری از افراد، ممکن است جرائم کشاورزی را به عنوان جرم اصلی ارتكابی در مناطق روستایی در نظر بگیرند، اما همانطور که بارکلی (۲۰۱۶) بیان می دارد، «خشونت های بین فردی از قبیل ضرب و جرح تا قتل، همانند هر مکان جغرافیایی دیگر، در مناطق روستایی نیز ارتكاب می یابند.» (Hale, Harkness, 2023, P.4) برای مثال بر اساس گزارش اف.بی.آی. میزان رسمی خشونت در روستاهای آمریکا از بسیاری از مناطق شهری بیش تر است. در کانادا نیز میزان قتل در روستاها حتی بیش از شهرهای بزرگ یا کوچک است. (رایجیان اصلی و دانش ناری، پیشین، ص ۱۱۰) همچنین در ایالات متحده در دهه ۱۹۷۰ نرخ بزه دیدگی ناشی از خشونت برای هر ۱۰۰ هزار نفر افراد بالای ۱۲ سال، به ترتیب ۱۵۶۸ مورد در مناطق شهری، ۹۲۴ مورد در مناطق حومه ای و ۷۹۳ نفر در مناطق روستایی بوده است. (Abraham, Ceccato, 2020, P.258) به هر جهت این میزان نیز برای مناطقی که همواره عاری از جرم تصور می شوند رقم بالایی را نشان می دهد.

ارتكاب قتل عمد در مناطق کوچک روستایی عموماً بازتابی از ویژگی های اجتماعی - فرهنگی خاص این مناطق است که آثار قابل توجهی به دنبال خواهد داشت. هرچند به طور کلی همواره میزان ارتكاب قتل در روستاها پایین تر از شهرها عنوان می شود؛ اما یافته ها، حاکی از بالا بودن این میزان در برخی از مناطق روستایی است. «نتایج تحقیقات در سطح استان فارس در بین سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ نشان می دهد که ۷۱۵ فقره قتل عمد ارتكاب یافته که از میان این آمار ۲۶۴ فقره آن در سطح روستاهای این استان ارتكاب یافته است.» (اشرفی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶) در حالی که انگیزه ارتكاب قتل در بافتار شهری را اصولاً ناشی از اختلافات تجاری و مالی، جرائم سازمان یافته، اختلالات روانی می توان دانست؛ اما در بافتار روستایی ایران، ارتكاب قتل اصولاً ناشی از اختلافات شخصی و خانوادگی بر سر منابع طبیعی و محدود همچون زمین و آب، مسائل ناموسی است. سنت های فرهنگی همچون خون بس در میان برخی اقوام روستایی ایران (خان محمدی، احسانی ۱۳۹۷: ۱۵۰) و انتقام جویی های تلافی جویانه را نیز نبایستی نادیده گرفت، که نتایج اجتماعی و روانی آن، امنیت همان روستا و حتی روستاهای اطراف را به مدت طولانی مختل خواهد ساخت.

۲-۲-۳. نزاع قومی و ضرب و جرح

انگیزه و نتایج جرائمی مانند قتل و ضرب و جرح در مناطق روستایی می تواند بسیار به هم نزدیک باشد، به این حال از حیث آماری ارتكاب ضرب و جرح رایج تر بنظر می رسد. دسترسی آسان به ابزارهایی مانند چوب، چاقو، سنگ، داس، بیل و کلنگ و سایر وسایل کشاورزی و استفاده از آن ها در جریان اختلافات خانوادگی و نزاع های قبیله ای، وقوع آن را تسهیل خواهد نمود. تمایل به حل و فصل غیررسمی اختلافات شخصی و خانوادگی موجب می شود تا افراد از شیوه های انتقام جویانه برای پاسخ به نزاع بهره برند. این شیوه از انتقام جویی، یک چرخه ی خشونت را ایجاد خواهد نمود که گاه می تواند تا مدت زمان طولانی آرامش آن روستا و حتی روستاهای اطراف را دچار خدشه نماید. به طور کلی، یکی از عوامل اصلی ایجاد

خشونت در مناطق روستایی ایران را می توان در نگهداری سلاح توسط ساکنین بیان نمود. در بسیاری از مناطق روستایی فرهنگ مالکیت و استفاده از سلاح گرم برای شکار یا دفاع شخصی رایج است. اگرچه این موضوع می تواند در منظر افراد به عنوان یک عامل بازدارنده عمل نماید، اما همین موضوع گاه زمینه ساز برخی از جرائم خاص مانند درگیری های منجر به خشونت گردد. (Ceccato, Op.Cit, P.384) شرایط خاص جغرافیایی برخی از روستاهای مرزی، وجود اختلافات قومی، ارزش تلقی شدن داشتن اسلحه، حس خودبرتربینی میان برخی اقوام، حفاظت از خود یا دامها، تفریح و شکار، باور به غیر مؤثر بودن حضور نهادهای رسمی، نبود نظارت های رسمی زمینه را برای تهیه و قاچاق سلاح فراهم نموده است.

۳-۲-۳. جرائم مرتبط با قاچاق و مواد مخدر

مطالعات نشان می دهند که پدیده قاچاق در بسیاری از روستاهای مرزی ایران با توجه به شرایط خاص جغرافیایی و اقتصادی امری رایج است. قاچاق کالا امنیت اقتصادی یک کشور را به خطر انداخته و از جمله پدیده های پیچیده اقتصادی و اجتماعی است. (شرفی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۴)

۱-۳-۲-۳. قاچاق کالا

قاچاق کالا پدیده ای است که هم زمان با شکل گیری نظام های اقتصادی مطرح و به تدریج در نظام های حقوقی مختلف مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است. در حقیقت دولت ها در این راستا با شناسایی قاچاق به عنوان یک رفتار مخل اقتصادی، سیاست های تقنینی متنوعی برای مقابله با آن به کار گرفته اند. (ابراهیمی و دانش، ۱۳۹۸، ص ۲۸۲) با وجود این رویکردهای تقنینی و تأکید بر جرم انگاری قاچاق کالا به منظور حفظ نظم، سطح ارتکاب این رفتار در در مناطق روستایی و مرزی نشان می دهد که، ریشه ارتکاب قاچاق در این مناطق را می بایست در فقر ساختاری، بیکاری مزمن و فقدان فرصت های مشروع جستجو نمود. مطالعات نیز در این خصوص نشان می دهد که «مرتکبین قاچاق، اغلب خود را قربانی نقش حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مانند حق بر انتخاب آزادانه کار با امکانات مناسب، حق بر مزد منصفانه، حق بر رفاه، استراحت، تفریح) می دانند.» بنابراین مرتکبان این اعمال را نوعی از فعالیت اقتصادی و در جهت بقا تلقی می نمایند. (ابراهیمی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۳)

یافته های میدانی نشان می دهد که قاچاق کالا در برخی از روستاهای مرزی به عنوان یکی از رفتارهای مجرمانه شایع شناخته می شود. برای نمونه برخی مناطق با توجه به موقعیت مکانی و نزدیکی به کشورهای حوزه خلیج فارس به کانون های اصلی قاچاق کالا تبدیل شده اند. برای مثال روستاهای ده شیخ-چاه شیخ و کره موجی (به عنوان مناطق تجاری ده شیخ) در جنوب استان فارس و روستاهای گچین، مغ احمد پایین و مغ احمد بالا در استان هرمزگان با توجه به دسترسی آسان به مسیرهای غربی رسمی، به عنوان نقاط پرخطر در قاچاق کالا محسوب می شوند. (عناستانی، نامدار، ۱۳۹۶، ص ۲۱۲) در روستاهای این مناطق به دلیل وضعیت نامناسب کشاورزی و دامداری، گرایش به قاچاق کالا به عنوان تنها راه کسب در آمد در حال افزایش است. (همان، ص ۲۱۵) همچنین در پژوهشی دیگر، که در بخش های خاو و میرآباد واقع در غرب شهرستان مریوان استان کردستان نشان می دهد، که قاچاق کالا در این مناطق به دلیل همجواری با کشور عراق و موقعیت مرزی خود، به میزان بالایی رایج است. (حدود ۷۰/۷۸ درصد افراد) (کهنه پوش و جلالیان، ۱۳۹۲، ص ۶۹)

۲-۳-۲-۳. قاچاق و نگهداری اسلحه غیرمجاز

یکی از جلوه های خاص بزهکاری در برخی مناطق روستایی ایران، به ویژه در نواحی مرزی، قاچاق و نگهداری سلاح غیرمجاز است. وجود اسلحه های غیرمجاز در دست اشخاص عادی می تواند آثار اجتماعی و حقوقی گسترده ای به همراه داشته باشد.

یکی از عوامل مشوق افراد به تهیه اسلحه، وجود احساس ناامنی است. در برخی از مناطق، گسترده‌گی حوزه جغرافیایی و عدم پوشش نیروهای دولتی و انتظامی، باعث می شود تا مجرمین مسلح از این خلأها استفاده نموده و با ایجاد نگرانی در ساکنین، آن ها را به تهیه سلاح وادار کنند. (اسدی فرد و نوروزی، ۱۴۰۲: ۲۳) به طور کلی، عوامل متعددی در پژوهش های صورت گرفته در خصوص علت وجود اسلحه غیرمجاز در شهرها بیان شده است؛ اما به نظر می رسد در روستاهای ایران علت وجود اسلحه غیرمجاز در دست افراد عادی، مسائلی از قبیل وجود اختلافات قومی و قبیله ای، ارزش تلقی شدن داشتن اسلحه، حس خودبرتر بینی میان سایر اقوام، حفاظت از خود یا احشام و دامهایشان، ابزاری برای تفریح و شکار، باور به غیر مؤثر بودن حضور نهادهای رسمی و انتظامی موجب می شود تا اقدام به تهیه سلاح غیر مجاز نمایند.

۳-۳-۲-۳. تولید و سوء مصرف مواد مخدر و الکل

در نواحی روستایی ایران، مصرف مواد مخدر دارای سابقه ای طولانی است که پیش تر برای درمان بیماری ها تجویز می شده و امروزه نیز، در مناطق روستایی دور افتاده هم چنان به قوت خود باقی است. (مطیعی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۶) یافته های میدانی نشان می دهد که روند گسترش اعتیاد در مناطق روستایی به مراتب سریع تر از مناطق شهری بوده است. برای مثال، در بررسی های صورت گرفته، میزان وابستگی به مواد مخدر در روستاهای آذربایجان غربی، بیش از تصور برآورد شده است. بررسی های صورت گرفته در فاصله سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ نشان می دهد که نسبت افراد درگیر مصرف مواد مخدر در این استان، کم تر از یک دهه از حدود ۲/۶٪ به بیش از ۹/۷٪ افزایش یافته است. این آمار بیانگر افزایش فرآیند اعتیاد و آسیب پذیری بالای جوامع روستایی در برابر مواد مخدر است. (فتح اللهی و ایمانی جاجرودی، ۱۴۰۱، ص ۳۵۸) تولید و مصرف مواد مخدر در روستاها پیامدهای اجتماعی و حقوقی گسترده ای به دنبال خواهد داشت. آسیب به ساختار خانواده، افزایش خشونت، ارتکاب جرائمی مانند سرقت، نزاع و مواردی از این دست از نتایج مصرف الکل و مواد مخدر خواهند بود. تفریح و لذت جویی، دسترسی آسان به مواد مخدر، بیکاری، کمبود امکانات تفریحی، استفاده دارویی از مواد مخدر و مشروبات الکلی، شرایط اقلیمی مناسب برای تولید و عدم وجود نظارت رسمی بر محصولات، بر تولید و مصرف آن ها در میان ساکنین نقش دارند.

با این توضیحات باید بیان داشت که اساساً نظریه های جریان اصلی جرم شناسی در محیط شهری و برای تأمین نیازهای آن جوامع شکل گرفته اند. بنابراین شرایط محیطی، اقتصادی، فرهنگی ویژه مناطق روستایی ایران، مانع از انطباق نظریه های جرم شناسی جریان اصلی با گونه های مختلف بزهکاری در این مناطق است. در حقیقت این نظریات، قادر به درک ماهیت ساختاری و جمعی جرائم روستایی به ویژه اقتصادی و زیست محیطی نمی باشد.

نتیجه گیری

ویژگی های منحصر به فرد معیشتی، فرهنگی و اجتماعی، جوامع روستایی را از بافتار شهری متمایز می سازند. وابستگی به منابع طبیعی، پیوندهای عمیق اجتماعی و پایبندی به باورهای فرهنگی ریشه در این ویژگی ها دارد. این مؤلفه ها گاه انسجام اجتماعی و هویت روستایی را تقویت کرده، و گاه نیز خود عامل محرک ارتکاب جرم محسوب می شوند.

پژوهش حاضر نشان داد که این متغیرها در نظریات جرم شناسی جریان اصلی مورد توجه نظریه پردازان نبوده و این نظریات در پاسخ به نیازهای جوامع صنعتی شکل گرفته اند. نظریات جرم شناسی جریان اصلی از قبیل مکتب شیکاگو، نظریه بی سازمانی اجتماعی، پنجره های شکسته، تعارض فرهنگی، بی هنجاری بر متغیرهایی مانند تراکم جمعیت، تنوع فرهنگی، ضعف نظارت های اجتماعی، ساختاری طبقاتی، بی سازمانی اجتماعی متمرکزند. در حالی که بافتار روستایی با ویژگی هایی از قبیل کم بودن جمعیت، انسجام فرهنگی، نظارت اجتماعی عمیق و تعصبات فرهنگی بیش تر گره خورده اند. در نتیجه کاربرد این نظریه ها برای تفسیر بزهکاری روستایی کافی نبوده و تنها برخی از جنبه های آن را آشکار می سازند. از سویی دیگر، هریک از نظریه های گفته شده، برای تبیین برخی از انواع بزهکاری از قبیل جرائم سازمان یافته، خشونت های خیابانی، جرائم پیچیده مالی شهری طراحی شده اند. در حالی که در مناطق روستایی ایران شرایط برای ارتکاب جرائم علیه محیط زیست، خشونت های طایفه ای، قاچاق و تولیدات مرتبط با مواد مخدر و الکل بیش از سایر جرائم فراهم می باشد.

یکی از عوامل ارتکاب جرائم علیه محیط زیست را باید در وابستگی های اقتصادی روستاییان به محیط طبیعی معرفی کرد. با کاهش وابستگی (از طریق ایجاد مشاغل جایگزین کشاورزی و دامداری) تا حدود زیادی روستاییان را از آسیب به آن بی نیاز خواهد ساخت. از سویی دیگر، ناآگاهی و بی سوادگی و عدم توجه به پیامدهای اقدامات مخرب، از عوامل دیگر ارتکاب این قبیل اقدامات است. لذا آگاهی بخشی و برگزاری کلاس های آموزشی به زبان ساده، توسط متخصصین می تواند ساکنین را از پیامدهای آسیب به محیط زیست آشنا نمود. از آن جا که نظارت های رسمی بر محیط زیست به دلیل شرایط جوی و جاده ای به صورت ثابت ممکن نیست، استفاده از فناوری های نوین، و تشکیل گشت های مشترک میان منابع طبیعی و جامعه محلی می تواند انجام نظارت های مؤثر را ممکن نماید.

در نهایت نتایج این پژوهش نشان داد که نظریه های جریان اصلی جرم شناسی - که همواره وابسته به نظریه های شهری غربی هستند - در تبیین الگوهای بزهکاری در مناطق روستایی ایران کارآمد نمی باشند. ارتقای دانش جرم شناسی در مناطق روستایی ایران، مستلزم تدوین یک چارچوب نظری بومی و مستقل است. لازمه چنین چارچوب نظری نیز، درک واقعیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ساختاری جوامع روستایی ایران است.

فهرست منابع

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸
۲. ابراهیمی، شهرام؛ دانش، مصطفی (۱۳۹۸)، «تحلیل شکلی و ماهوی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۴۹، ش ۲. doi: 10.22059/jqclcs.2020.273953.1380
۳. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۵)، «پیشگیری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲: چرایی، چیستی و چگونگی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۸.

۴. اسدی فرد، محمد؛ نوروزی، سعید (۱۴۰۲ش)، «بررسی پیامدهای استفاده از سلاح گرم غیرمجاز در امنیت عمومی منطقه مرزی گیلانغرب با رویکرد پیشگیری از جرم»، نشریه پژوهشنامه مطالعات مرزی، ش ۴۱.

doi: [10.22034/bss.2023.102191](https://doi.org/10.22034/bss.2023.102191)

۵. اشرف زاده، محمدرضا؛ مرادی، اکرم (۱۳۹۶)، «برآوردی از وضعیت شکار در منطقه حفاظت شده چهل پا، استان خوزستان»، فصلنامه محیط زیست جانوری، دوره ۹، ش ۴.

۶. اشرفی، ارسلان (۱۳۹۱ش)، «بررسی پیمایش بزه قتل عمد در استان فارس (از دیدگاه زمان، مکان و آلت وقوع جرم)»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال هفتم، ش ۲۳. <http://irdoi.ir/598-239-265>

۷. امامی، علی؛ یمیری، امین الله؛ مرادی، عافی (۱۳۹۶)، «تأثیر دیوار حیاط بر امنیت خانه های روستایی (نمونه موردی: روستای ایمر محمد، استان گلستان)»، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۶، شماره ۱۶۰.

۸. امیری لهر، مسعود؛ مرادمند جلالی، عقیل (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر در تخریب منابع طبیعی (مطالعه موردی: حوزه ۹ سفاروه)»، نظریه توسعه پایدار جنگل، دوره ۱، ش ۴.

https://journals.guilan.ac.ir/article_1251.html

۹. انصاری، ناصر؛ سیداخلاقی شال، سیدجعفر؛ قاسمی، محمدحسن (۱۳۸۷)، «عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی کشور و سهم آن ها در تخریب»، فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ج ۱۵، ش ۴.

۱۰. انصاریان، مجتبی (۱۴۰۳ش)، **حقوق محیط زیست**، چ ۵، تهران: دانشگاه پیام نور.

۱۱. بهره مند، حمید؛ قنبریان، ناصر (۱۳۹۷ش)، «تحلیل حقوقی بزه تغییر کاربری از طریق دیوار کشی اراضی زراعی و باغ ها و تأکید بر رویه قضایی»، پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، ش ۱۲.

۱۲. پاک نهاد، امیر (۱۴۰۱ش)، **اصول جرم شناسی**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

۱۳. پاک نهاد، امیر (۱۴۰۰ش)، **دانشنامه جرم شناسی نظری**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

۱۴. خان محمدی، کریم؛ احسانی، حکیمه (۱۳۹۷ش)، «مطالعه انسان شناختی پدیده خون بس در منطقه صیدون خوزستان»، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۲۱).

<https://doi.org/10.22081/jiss.2018.66171>

۱۵. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۴۰۲ش)، **کلیات جرم شناسی: محتوا و تحول؛ از دیروز تا امروز**، چاپ دوم، تهران: نگاه معاصر.

۱۶. رایجیان اصلی، مهرداد؛ دانش ناری، حمیدرضا؛ (۱۴۰۲)، **جرم شناسی انتقادی معاصر**، چاپ چهارم، تهران: دادگستر.

۱۷. رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۹۷)، **جرم شناسی**، چاپ هفتم، تبریز: فروزش.
۱۸. رضوانی، محمدرضا؛ زارع، زهرا؛ فرهادی، صامت؛ نیک سیرت، مسعود (۱۳۹۰ش)، «جغرافیای جرم در نواحی روستایی با تأکید بر سرقت دام در بخش چهاردولی شهرستان قروه»، مطالعات مدیریت انتظامی، سال ششم، شماره اول.
۱۹. سجاسی قیداری، حمدالله؛ فعال جلالی، امین (۱۳۹۶)، «سنجش آگاهی و رفتار زیست محیطی روستاییان (مطالعه موردی: دهستان زنگلانلو)»، فصلنامه برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، سال هشتم، ش اول (پیاپی ۲۸). Doi: [10.22108/spl.2018.107906.1129](https://doi.org/10.22108/spl.2018.107906.1129)
۲۰. شرفی، حجت اله؛ شکور، علی؛ درازهی، یاسمین (۱۳۹۹ش)، «تحلیلی بر قاچاق کالا و عوامل مؤثر بر آن در روستاهای شهرستان های مرزی سراوان»، فصلنامه علمی برنامه ریزی منطقه ای، سال ۱۰، ش پیاپی ۳۷.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷)، «درآمدی بر جرم شناسی انتقادی و گونه های آن»، در: «**دانشنامه جرم شناسی محکومان**»، عباس شیری، چاپ اول، تهران: میزان.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۴۰۳)، «جرم شناسی در آغاز هزاره سوم»، مقدمه بر: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیکی، حمید؛ **دانشنامه جرم شناسی**، چاپ هفتم، تهران: گنج دانش.
۲۳. عصاره، عبدالرحمن؛ شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۲ش)، «کنش های متأثر از محیط و راهبردهای مهار پدیده مجرمانه»، نشریه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، ش ۱۹.
۲۴. علوی زاده، سید امیرمحمد؛ ایزدی، علی (۱۴۰۱ش)، «واکاوی عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی و تبدیل آن به باغ و ویلا. مطالعه موردی: روستای سیب در شهرستان کرمان»، فصلنامه علمی برنامه ریزی منطقه ای، سال ۱۲، ش ۴۶. Doi: [10.30495/jzpm.2022.5382](https://doi.org/10.30495/jzpm.2022.5382)
۲۵. عنابستانی، علی اکبر؛ نامدار، محبوبه (۱۳۹۶ش)، «مقایسه تطبیقی اثرات قاچاق کالا بر توسعه نواحی روستایی (مورد پژوهی: مناطق تجاریده شیخ (فارس) و گچین (هرمزگان))»، فصلنامه پژوهش های روستایی، دوره هشتم، ش ۲ (پیاپی ۳۰). Doi: [10.22059/jrur.2017.62670](https://doi.org/10.22059/jrur.2017.62670)
۲۶. فتح اللهی، محمدصادق؛ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۴۰۱ش)، «توسعه ناپایدار و شیوع اعتیاد در روستاها (مورد مطالعه: روستای امام زاده شهرستان ارومیه)»، فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی، سال شانزدهم، ش ۶۵، doi: [10.52547/etiadpajohi.16.65.355](https://doi.org/10.52547/etiadpajohi.16.65.355)
۲۷. قاسمی، ناصر؛ مرادکلته، حاجی (۱۳۸۹ش)، «بررسی علل و عوامل ارتکاب جرائم شکار و صید در استان های مازندران و گلستان و ارائه ی شیوه های حقوقی کاهش این جرائم»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره شانزدهم، شماره ۹۳.

۲۸. کشاورز، اسدالله (۱۳۹۹ش)، *بزهکاری سبز؛ جلوه ها و پاسخ های تقنینی-قضایی*، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

۲۹. کهنه پوش، سیدهادی؛ جلالیان، حمید (۱۳۹۲ش)، «تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی؛ مورد: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان»، *جغرافیا و توسعه*، سال سیزدهم، ش ۳۲.

Doi: [10.22111/gdij.2013.1164](https://doi.org/10.22111/gdij.2013.1164)

۳۰. کی نیا، مهدی (۱۴۰۱): *مبانی جرم شناسی*، ج ۲، چاپ چهاردهم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۳۱. گلی، علی؛ عسگری، علی؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۳ش)، «تبیین الگوی فضایی روستاهای درحال گذر با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی؛ منطقه شمال غرب ایران»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۸، شماره ۴.

۳۲. مطیعی لنگرودی، سیدحسین؛ فرهادی، صامت؛ زارع، زهره (۱۳۹۲)، «عوامل مؤثر بر گسترش اعتیاد در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان چهاردولی غربی شهرستان قروه)»، *پژوهش های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۵، شماره ۱، doi: [10.22059/jlgr.2013.30039](https://doi.org/10.22059/jlgr.2013.30039)

۳۳. میرمحمدتبار، سیداحمد؛ مظلوم خراسانی، محمد؛ نوغانی، محسن؛ سیلیان طوسی، علی (۱۳۹۷)، «بازار و جرائم زیست محیطی: تبیین شکار غیرقانونی پرندگان در فریدونکنار»، *جامعه شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره پنجم، ش ۱۲، doi: [10.22080/ssi.1970.2132](https://doi.org/10.22080/ssi.1970.2132)

۳۴. ناروقه، نعمت الله؛ وردی میگونی، فرهاد اله؛ کاظمی جویباری، مهدی (۱۳۹۹)، «رابطه ی جرم و جغرافیا»، *جغرافیا (فصلنامه علمی-پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیایی ایران)*، سال هجدهم، شماره ۶۷، <https://doi.org/https://doi.org/10.27172/996.1399.18.4.9.0>

۳۵. انصاری، شینا، (۱۴۰۳، ۲۱ آبان)، ۵۰۰۰۰۰ حلقه چاه غیرمجاز و ورشکستگی آبخوان های ایران، خبرگزاری تسنیم، به نشانی: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/08/21/3197588>

36. Abraham, Jonatan, Ceccato, Vania (2020), "Crime and safety in rural areas: A Systematic review of the English-language literature 1980-2020", *Journal of Rural Studies* 94, PP273-250. Doi: [10.1016/j.jrurstud.2022.05.010](https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2022.05.010)

37. Ceccato, Vania (2016), *Rural crime And Community Safety*, ISBN (eBook) 9780203725689, Routledge, Taylor & Francis Group: London & New York. DOI: [10.4324/9780203725689](https://doi.org/10.4324/9780203725689)

38. Ceccato, Vania, (2023), 'Rurality, Crime and fear of crime', in: '*Rural Victims of Crime: Representations, Realities and Responses*', By Rachel Hale & Alistair Harkness, Routledge.

39. Ceccato, Vania (2025), "Rural criminology: Unveiling its importance and path forward", Annual Review of criminology, Annual Review of criminology, Vol8, 377-401. <https://doi.org/10.1146/annurev-criminol-111523-122508>
40. Ceccato, Vania, Abraham, Jonatan (2022), *Crime and safety in the Rural: Lessons from research*, Edition Number1, ISBN(eBook) 978-3-030-98290-4, SpringerBriefs in Criminology:Switzerland. <https://link.springer.com/book/10.1007/978-3-030-98290-4>
41. Donnermeyer, Joseph, Scott, John, Barclay, Elaine (2013), "How rural criminology Critical Thinking In Criminology", International Journal for crime, Justice and social Democracy, Vol2, No3, PP69-91. DOI:[10.5204/ijcjsd.v2i3.122](https://doi.org/10.5204/ijcjsd.v2i3.122)
42. Eman, Katj, Bulovec, Tinkara(2021), "A case study of rural crime and policing in Pomurje Region in Slovenia", Journal of Rural Studies, vol85, PP43-51. DOI:[10.1016/j.jrurstud.2021.05.012](https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2021.05.012)
43. Harkness, Alistair(2017), "Crime Prevention on Farms: Experiences from Victoria, Australia", International Journal of rural Criminology, Volume3, Issue2, PP131-156 . DOI:[10.18061/1811/81050](https://doi.org/10.18061/1811/81050)
44. Hale, Rachel, Harkness, Alistair(2023), *Rural Victims of Crime: Representations, Realities and Responses*, 1st Edition, ISBN(eBook) 978-1-000-82278-1, Routledge(Taylor & Francis Group). <https://doi.org/10.4324/9781003132691>
45. Jobs, C Patric, Barclay, Elaine, Donnermeyer, F Joseph, Graycar(2001), Adam, "Rural Crime in Australia: Contemporary concerns recent research, and future direction", Australian Journal of Regional studies, Vol7, No1, PP 1-17
46. Peterson, J. Rene(2024), " Rural Criminology", Oxford Research Encyclopedia of Criminology and criminal justice, PP1-25. <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190264079.013.705>
47. Newburn, Tim, (2017), *Criminology*, Third edition, ISBN: 978-1-315-62951-3(ebk), London and New York: Routledge.
48. Sinatti, Giulia, (2008), 'The Polish Peasant Revisited. Thomas and Znaniecki's Classic in the Light of Contemporary Transnational Migration Theory.' Sociologica : Italian Journal of Sociology on line, 2(2), 1-22. doi.org/10.2383/27025